



داکتر سید عبدالله کاظم

5 فبروری 2015

توضیحی درباره تاریخ آغاز جهاد علیه رژیم خلق و پرچی

دو سه روز قبل نوشته پرمحتوای خانم شکوه میرزادگی را خواندم که محترم انجنیر صاحب احسان الله مایار آنرا زیر عنوان "روشنفکر کیست و روشنفکری چیست؟" تلخیص نموده و با یک مقدمه مختصر آنرا در این پورتال به نشر رسانیده اند. در این مقدمه جناب مایار صاحب در باره تاریخ آغاز جهاد می نویسند: «تا جایی که بنده از منطقه و آنزمان معلومات دارم قبل از آغاز جهاد توسط مخالفین نظام کابل در پشاور، قیام خودجوش مردمی از نورستان آغاز گردیده و از آنجا در سراسر کشور انتشار یافته است. همچنان خانواده حضرات قلعه جواد در آغاز بنیانگذاری نظام بیخدایی کمونیست ها کشته شده اند، نه بعد از اعلان جهاد و آغاز مقاومت.» جناب شان در ادامه گزارشی را از قول نشریه آلمانی "دیر بوند" (Der Bund) که بتاريخ 14 مارچ 1979 انتشار یافته و آنرا در اثر پنج جلدی خویش زیر عنوان "قیام ملت افغان" درج نموده اند، اقتباس میدارند که به تاسی از آن گویا جهاد افغانستان در همان تاریخ آغاز گردیده است.

متن گزارش: «14 مارچ 1979، "دیر بوند" Der Bund آلمان غرب:

اعلان جهاد (جنگ مقدس):

پشاور: محاذ ملی افغانستان، یکی از تنظیم های جداگانه، در پشاور مردم افغانستان را به قیام عمومی و جهاد علیه رژیم طرفدار شوروی نورمحمد تره کی دعوت کرد. در اعلامیه ای که بدین مناسبت در پشاور نشر گردیده از ملت افغان و مخصوصاً از عساکر اردوی دولت دعوت بعمل آمده تا در صف هموطنان مسلمان خود بیبوندند و در جهاد مقدس عملاً شریک شوند. هدف اصلی آزادی کشور از چنگ کمونیست ها و از بین بردن رژیم منفور آنهاست. در اعلامیه افزوده شده که در سراسر افغانستان قیام ملت مسلمان در برابر الحاد و کمونیزم به وضاحت مشاهده میشود.»

اگر از فرار یک تعداد اعضای "حرکت جوانان مسلمان" به پاکستان و حمله ناکام آنها در پنجشیر و لغمان به حیث یک حرکت خصمانه و سازمان یافته از طرف پاکستان در زمان جمهوری شهید محمد داؤد خان بگذریم، در رابطه با تاریخ دقیق آغاز جهاد پس از کودتای منحوس ثور هریک از گروپ های مقیم در پشاور امتیاز آنرا به خود میدهند. جای شک نیست که تحرکات مقدماتی جهاد از همان هفته های اول پس از کودتا آغاز شد و اما حینیکه حضرت صبغت الله مجددی در اوایل جوزای 1357 (می 1978) از دانمارک به پشاور مراجعت کرد، اولین ائتلاف را با استاد برهان الدین ربانی در ماه جون 1978 زیر نام "جبهه نجات ملی افغانستان" به وجود آورد. با آنکه این ائتلاف دیر دوام نکرد و بزودی از هم پاشید و استاد ربانی مجدداً به تحکیم پایه های "جمعیت اسلامی" خود پرداخت، اما این جبهه رسماً جهاد را علیه رژیم کابل اعلام نمود که به تاسی از آن استاد ربانی در ماه سرطان همان سال دوبار در بی بی سی مصاحبه کرد. علاوه بر حضرت صبغت الله مجددی خودش نیز در یک مصاحبه خود گفت: «وقتی که کمونیستها آمدند، سچه کمونیستها بودند. من همان روز استعفا کردم، از دانمارک آمدم و در پاکستان اعلام جهاد کردم. اعلام جهاد الحمدلله به توسط من شده و به امضای من. استاد ربانی هم به عنوان معاون من کار میکرد. حکمتیار هم یک دفتر بسیار کوچکی داشت در آن وقت و بعد از آن با وجودی که در دست ما چیزی نبود، توانستیم که بسیار پیشرفته در امور جهاد شود و در بسیار جاها کمونیستها را شکست دادیم و الحمدلله جهاد در افغانستان جاری شد.» (طنین، ظاهر: افغانستان در قرن بیستم 1900 - 1996، تهران، 1384، صفحه 254)

اولین گروپی که در کابل متعاقب کودتای ثور دست به اقدام مخفی زد، همانا جمعی از استادان پوهنتون کابل بودند که در مخالفت با رژیم تشکیل شد و این کمیته نیز افتخار عضویت آنرا داشت. همان زمان گروپی دیگری که بعداً مسما به

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

گروپ "داکتر میرعلی اکبر" گردید، نیز آغاز به فعالیت کرد، ولی این دو گروپ بزودی توسط رژیم شناسائی شدند و در روزهای اخیر ماه جوزای 1357 باز داشت گردیده و اعضای آن در پلچرخی زندانی شدند که شرح آن در این مختصر نمی گنجد.

اوج گرفتن اختلافات قدیمی بین خلق و پرچم در انوقت موجب شد تا در داخل حلقه قدرت رژیم درز عمیق ایجاد گردد که در نتیجه منجر به تصفیه پرچمی ها از قدرت شد. از آن به بعد موج مخالفت های مردمی بطور پراکنده در اطراف و اکناف کشور افزایش یافت و سلسله گیر و گرفت ها، زندانی کردنها و نیز قتل و قتل ها آغاز گردید که با تشدد روزافزون رژیم، قیامها در داخل کشور بیشتر شد.

حادثه حمله ماموران آگسا بر حریم خانه حضرات قلعه جواد حضرت ضیاءالمشایخ محمد ابراهیم مجددی ملقب به "شیرپاچا" که در نیمه شب 29/28 جدی 1357 (18 جنوری 1979) صورت گرفت، منجر به بازداشت آن خانواده اعم از زن، مرد، طفل، پیر و جوان و حتی خدمه های شان شد. در آن شب 17 تن از مردان آن خانواده را بردند که سرنوشت شان تا هنوز معلوم نیست و اما به یقین که همه آنها در همان شب بطورظالمانه و بدون موجب به شهادت رسیدند، همچنان در همان شب زنان و اطفال شانرا به تعداد 25 نفر به زندان مخوف پلچرخی آوردند که همه مدت بیش از شش ماه را با شرایط بسیار دشوار در آنجا سپری کردند. باید خاطر نشان ساخت که باز داشت این خانواده تنها منحصر به کابل نماند، بلکه یک عده مردان سرشناس آنها در هرات و ننگرهار نیز به عین سرنوشت دچار شدند.

به این اساس واضح میشود که حمله بر حریم خانواده مجددی در قلعه جواد تقریباً هفت ماه بعد از اعلام رسمی جهاد صورت گرفته است و اینکار شنیع رژیم اساساً هیچ ارتباطی با اعلام جهاد بوسیله جناب حضرت صدیقت الله مجددی نداشته و نیز حضرات قلعه جواد با آگاهی از نیات شوم رژیم، تاجائیکه اطلاع در دست است به هیچ نوع عمل مخالف رژیم دست نیازیده بودند. (کاپی مکتوب رسمی زندانی ساختن 25 نفر از زنان و اطفال خانواده مجددی که به امضای اسدالله سروری رئیس عمومی آگسا عنوانی محبس پلچرخی نوشته شده، در آرشیف پورتال افغان جرمن آنلاین مورخ 9 سپتمبر 2008 قابل دسترسی میباشد).

در مورد هجرت فخرالمشایخ جناب میا گلجان به پشاور باید گفت که ایشان با جمعی از مریدان خود چند هفته بعدتر از حادثه خانواده محترم مجددی روانه آن دیار شدند و رژیم پس از آن یک تعداد از اعضای خانواده شانرا که شامل عروس و پنج تن از نواسه ها (دو دختر خورد سال و سه پسر نیمه جوان هر یک بنامهای محمد داؤد، محمد آصف و محمد فرید) را به زندان پلچرخی آوردند. اخیر الذکر که در آنوقت یازده سال داشت، بعداً مشهور به قوماندان حاجی فرید صافی گردید و در دوره 15 به عضویت ولسی جرگه انتخاب شد. آنها تا پس از حمله شوروی (26 دسمبر 1979) در آنجا با ما در زندان نمبر یک "سیاسی" بودند و در عفو عمومی نام نهاد در اخیر جنوری 1980 از زندان رها شدند.

آنچه در گزارش 14 مارچ 1979 (24 حوت 1357) نشریه آلمانی "دیربوند" Der Bund تحت عنوان "اعلان جهاد (جنگ مقدس)" ارقام یافته و اینکه آنرا به حیث تاریخ آغاز جهاد باید پنداشت، قرین به واقعیت نمی باشد. در اینجا لازم به تذکر است که تاریخ مذکور مصادف به قیام بزرگ و خونین هرات مسما به "قیام 24 حوت 1357" میباشد که یکی از حماسه های بزرگ جهاد خود جوش مردم افغانستان محسوب میشود. شرح مفصل این رویداد تاریخی را اینجانب در کتاب "هرات از قیام حوت تا امروز" در 496 صفحه نوشته ام که در میزان 1390 (اکتوبر 2011) در کالیفورنیا چاپ شده و مختصر این رویداد مهم را به مناسبت بزرگداشت سی و چهارمین سالگرد آن در چهار قسمت در پورتال وزین افغان جرمن آنلاین در 11 مارچ 2013 به نشر رسانیده ام که علاقمندان موضوع میتوانند برای مزید معلومات به آن مراجعه فرمایند.

درباره نقش تنظیم های جهادی در راه اندازی قیام هرات میتوان به جرأت گفت که با وجود ادعا های بعضی تنظیمها مبنی بر دست داشتن در قیام، دلایل و شواهدی زیاد در دست است که در آنوقت فعالیت تنظیمهای مقیم پشاور حتی در ولایات همجوار سرحد بسیار محدود بود، چه رسد به ولایت هرات که برای رسیدن به آن باید از دو ولایت دیگر که زیر

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

کنترول رژیم قرار داشت، عبور صورت میگرفت. محترم عبدالعلی نور احراری در یک مونسکرپت نشر نشده و نیز در بیانیه خود در محفل بزرگداشت قیام هرات (13 مارچ 2013) در انجمن سالمندان افغان در بی ایریا - کالیفورنیا در ارتباط به این موضوع چنین گفت: «تنظیمهای جهادی کدام نقشی در ایجاد قیام نداشتند، زیرا هیچ یک شان باهرات و مردم آن در ارتباط مستقیم نبودند. پس از آنکه افرادی از فعالین اسلامی به پاکستان مهاجرت کردند و درتنظیمها جلب و جذب شدند، تنظیمها رد پای درمیان مجاهدین هرات پیدا کردند. دروهله اول مبالغ هنگفت از مردم هرات جمع آوری شد و توسط شخصی بنام «گل علم» یا نامی شبیه به آن به تنظیمها ارسال گردید. گفتنی است که شخصی بنام «حاجی ایوب» نظر به شناختی که با حضرت صبغت الله مجددی داشت، درهرات فعالیت میکرد و مهر او یا تنظیم او را برپای اوراقی می چسبانیید. قبل از آغاز قیام اعلامیه ای به همین مهر درمیان مردم توزیع گردید که آقای مجددی فتوای جهاد داده است. چند سال بعد که آقای مجددی به «تربت جام» ایران آمد و درنماز جمعه به مردم سخنرانی کرد گفت: من چندین سال بعد خبر شدم که شما مردم هرات به فتوای من جهاد کرده اید. جناب مجددی دیر خبر شده بود، ولی درست خبر نشده بود». (کاظم، سیدعبدالله: هرات - از قیام حوت تا امروز...، صفحه 132 - 133)

با شرح فوق واضح میشود که گزارش فوق الذکر نشریه آلمانی به هیچ وجه تاریخ اعلام جهاد را بیان نمیکند، بلکه تامله خواهد بود بر ادامه جهاد که به ارتباط قیام خود جوش و مردمی هرات از طرف "محاذ ملی افغانستان" به ریاست محترم پیر گیلانی اشاعه یافته و نشریه آلمانی آنرا تحت عنوان "اعلان جهاد - جنگ مقدس" به نشر رسانیده است.

راجع به قیام "نورستان" نیز باید گفت که "راپور مقدماتی پروژه داد خواهی افغانستان" تاریخ وقوع قیام مجاهدین در ولایت کنر و قتل عام قریه "کرهاله" را شب 15 حوت 1357 (6 مارچ 1979) درج نموده است، در حالیکه بعداً معلوم شد که تاریخ درست آن روز جمعه مورخ 31 حمل 1358 (20 اپریل 1979) بوده که به این اساس تقریباً پنج هفته بعدتر از قیام هرات به وقوع پیوسته است. این قیام را بعضی ها بنام "قیام نورستان" مسما ساخته اند، زیرا مناطق نورستان شرقی و مرکزی در آنوقت مربوط ولایت کنر بوده و طوریکه داکتر عبدالرحمن زمانی در مقاله مستند و مفصل خود در این باره می نویسد: «در بهار سال 1979 اوضاع به نفع نیروهای مقاومت پیش میرفت. در "دره پیچ" شورای جهادی مشتمل بر جنگجویان آزاد (غیر وابسته به احزاب پاکستان نشین) آنجا و نورستان، بعد از آنکه قوای حکومت خلقی پرچی را از پایگاه های شان در "چی در"، "ننگلام" و "وته پور" شکست داده بودند، به کمک اسلحه و مهماتی که از نیروهای دولتی بدست آورده بودند، به فکر حمله بر مرکز ولایت در "چغه سرای" ... افتادند.» داکتر زمانی می افزاید: «اولین اقدام تسخیر چغه سرای در ماه اپریل صورت گرفت. حمله از طرف شب آغاز شد و از همان ابتدا مجاهدین با مقاومت بیشتر... مواجه شدند و نتوانستند به شهر رخنه کنند. یک گروه مجاهدین کوشید از طریق قریه مجاور "کرهاله" به چغه سرای داخل شوند، اما قوای نظامی توانست به کمک تانک ها و وسایل نقلیه زرهپوش، قریه را قبل از آنکه مجاهدین موفق به فرار شوند، در حلقه محاصر قرار دهند... قوای نظامی روز بعد یعنی روز جمعه 20 اپریل 1979 به همراهی مشاوران روسی در لباس نظامیان افغان به قریه برگشتند... در حالیکه اکثریت باشندگان قریه تا هنوز در خانه های شان بودند، عراده جات نظامی به دورادور کرهاله موضع گرفته و میله های تانک ها را بطرف مرکز قریه نشانه گرفتند. به تمام مردان قریه گفته شد تا در جلسه عمومی که راجع به جنگ در منطقه در کنار دریای پیچ دایر میشود، شرکت کنند... در حالیکه تانکها سمت دریای مزرعه را مسدود نموده بودند، عساکر ماشیندار های کلاشنکوف را بطرف مردان نشانه گرفته... فیر کردند و مردان به زمین می افتادند... تیر اندازی پنج دقیقه ادامه داشت. وقتی زنها دیدند مردان شان تیر باران میشوند... التماس و زاری کردند و کوشیدند خود را به اجساد برسانند...» (برای شرح مزید دیده شود: مقاله داکتر عبدالرحمن زمانی تحت عنوان: "است 1260 قربانی قتل عام قریه کرهاله در ولایت کنر"، منتشره افغان جرمن آنلاین، مورخ 7 نوامبر 2013)

و اما جریان حادثه را میتوان چنین خلاصه کرد: «قوای رژیم به اساس امر جگرن صادق عالمیار قوماندان قطعه کوماندو 444 (برادر صدیق عالمیار یکی از وزرای مقتدرامین) و جگرن بهرام الدین قوماندان عملیاتی کنربه بهانه جستجوی مجاهدین، به پالیدن خانه ها پرداختند و مردم قریه اعم از زن و مرد و پیر و جوان را بنام گردهمائی جبراً از خانه های شان بیرون کردند و پس از تجمع، به عساکر امر دادند تا برجمعیت از هر طرف فیر کنند. در اثر این عمل وحشیانه به روایت شاهدان عینی بیش از یک هزار نفر به شمول زنان و اطفال به قتل رسیدند و آنهائیکه از فاجعه جان به سلامت بردند، همه پا به فرار گذاشته و به مجاهدین پیوستند.» (راپور مقدماتی پروژه دادخواهی افغانستان "جنایات دیروز - دادخواهی امروز"، ترجمه: س.ع. کاظم، کابل چاپ دوم 2006، صفحه 29 - 31)

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

از آنچه تا حال گفته آمد، به این نتیجه میتوان رسید که:

- 1 - جهاد مردم افغانستان علیه رژیم خلقی و پرچمی بطور عموم متعاقب کودتای منحوس ثور قدم بقدم شکل گرفت و اما اعلام رسمی جهاد از پشاور در اواسط ماه سرطان 1357 بوسیله حضرت صبغت الله مجددی با ائتلاف زودگذر با استاد برهان الدین ربانی زیر نام "جبهه نجات ملی افغانستان" صورت گرفت؛
 - 2 - حادثه حمله بر حریم محل رهائش حضرت مجددی در قلعه جواد تقریباً هفت ماه بعد از اعلام جهاد به وقوع پیوست که رابطه مستقیم با اعلام جهاد از طرف حضرت صبغت الله مجددی در پشاور نداشت؛
 - 3 - هجرت جناب میاگلجان صاحب به پشاور چند هفته بعدتر از حمله بر محل رهائش حضرت مجددی جواد صورت گرفت که متعاقب آن چند تن از اعضای فامیل شان به قسم گروگان در پلچرخ زندان شدند؛
 - 4 - تاریخ گزارش نشریه "دیر بوند" معنی تاریخ آغاز جهاد افغانستان را علیه رژیم خلقی و پرچمی نمیدهد، بلکه این گزارش مصادف با قیام بزرگ هرات بوده و لذا میتواند یک توجیه در باره آن قیام باشد که از طرف "محاذ ملی افغانستان" بدست نشر سپرده شده بود، چون در آنوقت همه تنظیمهای مقیم پشاور با نشر همچو اطلاعات و اعلامیه ها میخواستند توجه کمک های جهان را بسوی خود جلب نمایند؛
 - 5 - قیام در ولایت کنر که در مطبوعات آنوقت بنام "قیام نورستان" شهرت یافت، اساساً بتاريخ 20 اپریل 1979 یعنی تقریباً یک سال پس از کودتای ثور به وقوع پیوست. به این اساس قیام مذکور بعد از قیام مردمی هرات و قیام افسران جلال آباد (مورخ اول حمل 1358 مطابق 21 مارچ 1979)، سومین قیام مردمی در تاریخ جهاد کشور در برابر رژیم خلقی پرچمی محسوب میشود که البته سلسله همچو قیام ها در طول همان سال و سالهای بعدی به شدت رو به افزایش گذاشت، همچو قیام مشهور "چنداوول در کابل (2 سرطان 1358 مطابق 23 جون 1979)، قیام خونین بالاحصار کابل (14 اسد 1358 مطابق 6 اگست 1979)، قیام لوای سرحدی اسمار در کنر و قیامهای دیگر در صفحات مرکزی و شمال افغانستان، در قریه ها و شهر های خورد و بزرگ در سائر نقاط کشور.
- در پایان این نوشته قابل ذکر میدانم که اولین کتاب تحلیلی در باره شکل گیری و خصوصیات جهاد بوسیله تنظیمهای مستقر در پشاور تحت عنوان "جهاد و دستهای پشت پرده" توسط هموطن ما عزیز الرحمن الفت در مجموعاً 270 صفحه بتاريخ 10 دلو 1358 به قلم نوشته شده و در 20 حمل 1359 در پشاور به چاپ رسیده است که حاوی یک تحلیل عمیق در باره شرایط جهاد در همان مراحل اول و مشکلات متعدد آن بوده و اکنون میتوان از آن به حیث یک مأخذ مهم تاریخی استفاده نمود.

پایان

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ